

ویژه نامه راهیان نور

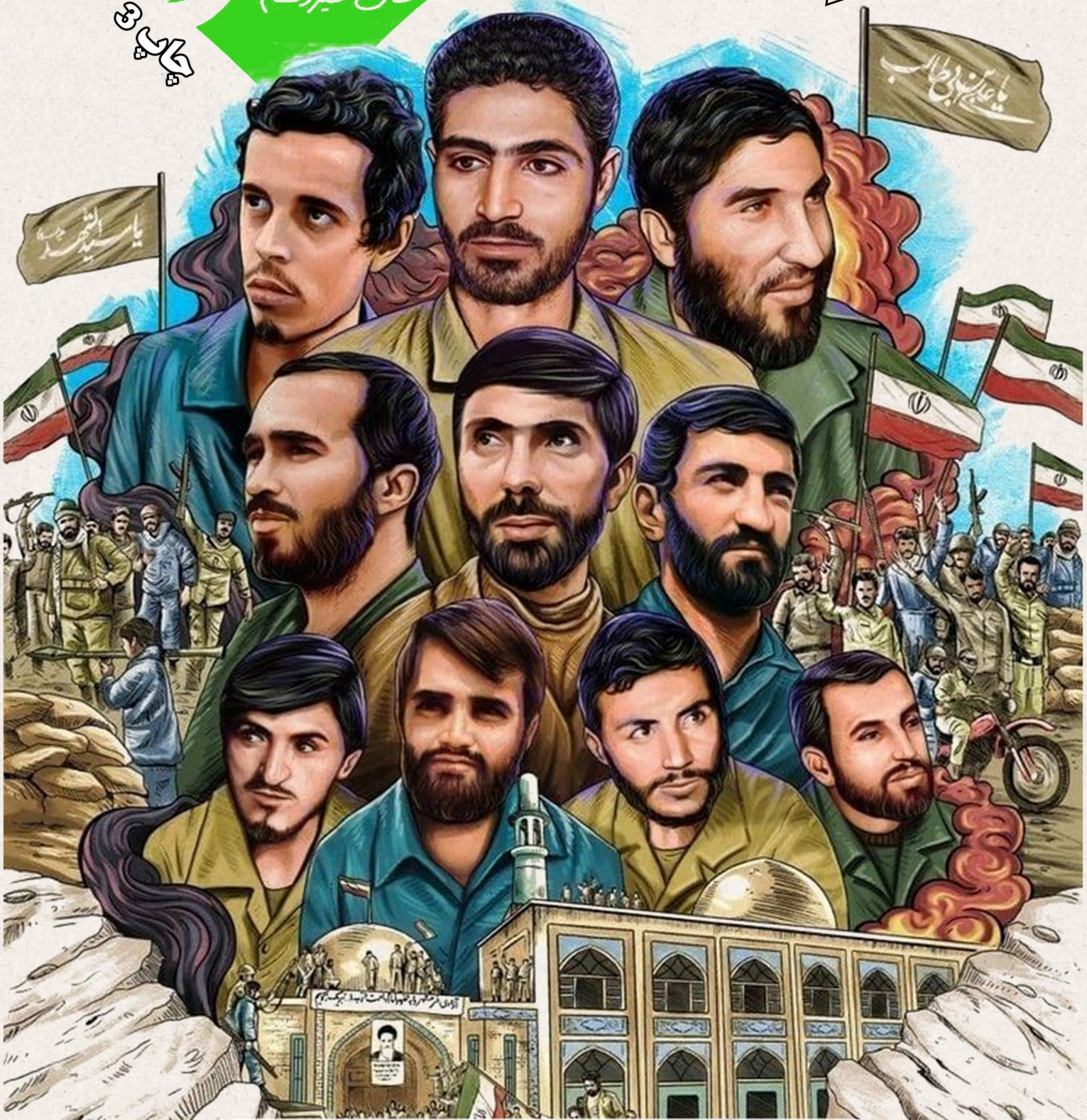
گاهنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی

سال سیزدهم / بهمن 1403

# میقات قیام



چاپ 3



روایت دیروز، نقش آفرینی امروز برای فردای ظهور



### محمیا پور ابراهیم

#### از انقلاب تا امروز

حاج محمود، مردی است که در میان موهای سفیدش، خاطرات انقلاب و جنگ را حمل می‌کند. او که حالا در دهه شصت زندگی‌اش است، در نوجوانی‌اش طعم شور و هیجان روزهای انقلاب را چشیده و در جوانی‌اش طوفان جنگ را از سر گذرانده است. این روزها وقتی کنار حیاط کوچک خانه‌اش می‌نشیند و به دیوار پر از عکس‌ها و یادگاری‌های قدیمی خیره می‌شود، ذهنش به سفر زمان می‌رود.

#### به روزهای قبل از انقلاب...

آن روزها محمود ۱۶ ساله بود؛ پس‌رکی ساده و پرشور در یکی از محله‌های قدیمی تهران. هنوز صدای شعارها و بوی کاغذهای اعلامیه‌ای که همراهِ پدرش شبانه پخش می‌کرد، در گوشش زنده است. یادش می‌آید که چطور برای اولین بار صدای امام خمینی را از نوار کاست‌های مخفی شنید و قلبش با هر جمله لرزید. «ما انقلاب کردیم برای عدالت، برای آزادی، برای سربلندی این ملت.» این جمله‌ها در ذهن محمود جوان حک شده بود. به خاطر می‌آورد تعقیب و گریزهای شبانه با گارد شاهنشاهی، صدای وحشیانه‌ی گلن‌گدن ژ-سه‌ها، شلیک گلوله‌هایی که نوای زمین‌گیر شدن بچه‌ها را به حیاط خانه‌ها می‌برد. آن روزها پشت بام هر خانه مسیری به سمت آزادی بود، برای فرار از چنگ ماموران وحشی ساواک. محمود و جوانان امثال او راه‌گریز را خوب بلد بودند. بسیاری از آن‌ها در میان شعارهای "یا مرگ یا خمینی" مرگ را قبل از خمینی در آغوش کشیده بودند.

اما برای چه؟ چه چیزی جوانان آن روزها را بی‌باکانه به سمت یا مرگ یا خمینی روانه می‌کرد؟ آنچه که از جان ارزشمندتر است چیست؟

### مهدی علی‌میرزالی

#### جنگ جنگ تا پیروزی!

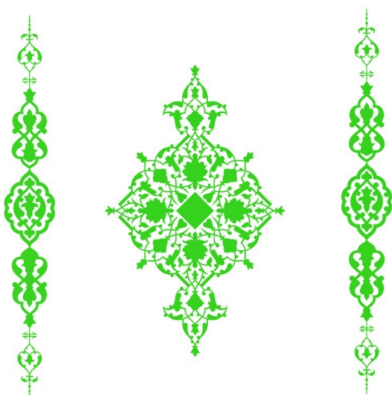
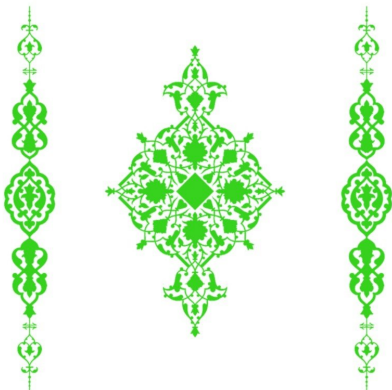
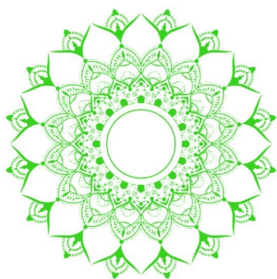
از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ تا ۳۱ شهریور ۱۳۵۹؛ در این ۲۰ ماه چه شد که جنگ شد؟ استقلال؛ مهمترین شعار و نیز دستاورد انقلاب اسلامی. در آن عصر نظام دو قطبی شرق و غرب، انقلاب اسلامی، قیامی مردمی و بدون وابستگی به قدرت‌های جهانی بود که به پیروزی رسید. در گفتمان انقلاب اسلامی ادبیات استقلال، آمیخته به جنبه‌های هویتی و وجودی است که علاوه بر وجه ضیق جغرافیایی، آزادی از قیود نظام سلطه جهانی و مسئولیت در برابر مستضعفان و مسلمانان جهان را نیز تکلیف خود می‌داند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷، کشور با تحولات گسترده‌ای مواجه شد که منجر به حفظ استقلال کشور و شکل‌گیری جنگ هشت ساله با عراق شد. برای درک این مسئله، نیاز به بررسی چند عامل مهم است:

#### انقلاب اسلامی و تأسیس جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به رهبری امام خمینی، رژیم پهلوی را سرنگون کرد و جمهوری اسلامی ایران را به عنوان یک نظام سیاسی جدید شکل داد. این انقلاب به طور کلی پایه‌گذار تغییرات عمده‌ای در سیاست داخلی و خارجی کشور بود. یکی از ویژگی‌های مهم انقلاب اسلامی، تأکید بر استقلال و عدم وابستگی به قدرت‌های خارجی، به ویژه ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی بود.

پس از انقلاب، ایران تلاش کرد تا وابستگی‌های اقتصادی، نظامی و سیاسی خود را از کشورهای غربی قطع و مسیر خود را بر اساس اصول اسلامی و استقلال ملی انتخاب کند. این رویکرد، به ویژه در مواجهه با نظام سلطنتی پهلوی که به شدت وابسته به کشورهای غربی بود، تنش‌های جدی در روابط ایران با قدرت‌های سلطه‌گر را به همراه داشت.





### جنگ تحمیلی؛ میدان نبردی دیگر

بعد از پیروزی انقلاب، زندگی انگار به مردم فرصت نفس کشیدن نداد. محمود ۲۰ ساله و به تازگی دانشجو شده بود که صدای بمباران و حمله دشمن بعثی بلند شد. حال میدان مبارزه عوض شده بود. جنگ از تعقیب و گریزهای شبانه و فریادهای همگانی داخل شهرها به پشت مرزها کشیده شده بود. محمود ایستادن بلد نبود. مبارزه برایش همچون آب برای ماهی بود. پس بدون درنگ کوله بارش را جمع کرد و عازم جبهه شد. هنوز یادش هست که چطور در دل شب، کنار هم‌رزمانش نماز شب می‌خواند و با هم درباره آرمان‌های انقلاب حرف می‌زدند. آرمان؛ آنچه که از جان آدمی ارزشمندتر است. آرمان بچه‌های آن روز، در لابه لای خاک و خون، و امید مادران در میان بغض و اضطراب، که از هر چه بود از جان بود، برخاسته بود. زندگی مرفه دنیوی، هرگز توان مبارزه با مهر مادری برای تقدیم گل نو شکفته‌اش را نداشت.

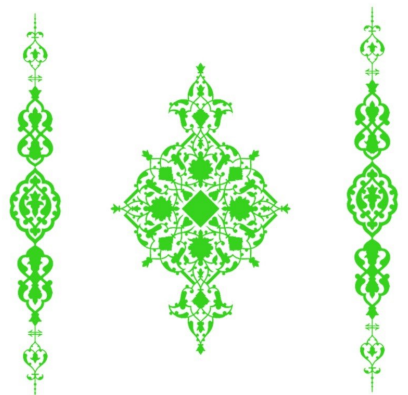
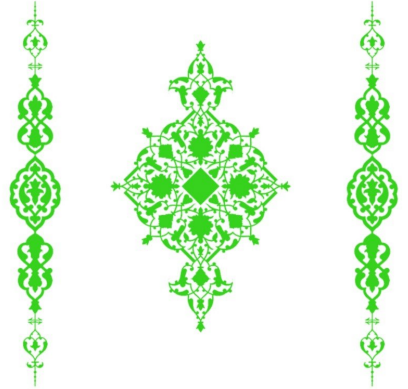
آن روزها در مقابل محمود، پی در پی سرها بود که می‌افتادند و لاله‌ها بود که به خون می‌غلتیدند.

"محمود! ما فقط برای خاک نمی‌جنگیم. ما برای این می‌جنگیم که نشان بدهیم استقلال و آزادی یک ملت قابل معامله نیست." این حرف‌ها از زبان فرمانده‌ای بود که چند روز بعد شهید شد. محمود به این می‌اندیشید که آیا طور دیگری هم می‌شود استقلال یک ملت را نشانه گرفت؟ آیا اتمام جنگ مسلحانه یعنی اتمام تمام تهدیدات علیه استقلال و آزادی یک ملت؟

ملت ایران پس از ساقط کردن رژیم استبدادی دست‌نشانده غرب، جهان دو قطبی آن زمان را به جهان سه قطبی تبدیل کرد و بعد از سقوط شوروی، دو قطبی "اسلام و استکبار" را در انداخت. نوام چامسکی، نظریه‌پرداز مشهور آمریکایی نیز حرکت ایران به سمت استقلال بعد از انقلاب اسلامی را یکی از دلایل نفرت آمریکا از تهران دانسته است. اندیشه صدور نرم انقلاب به جهت تمدن‌سازی نیز موجب ایجاد موج بیداری اسلامی در منطقه شده بود که ترس و وحشت سران عربی و غربی را به دنبال داشت.

"گناه کبیره‌ی ما (!) این بود که رژیم استبدادی سلطنت را سرنوگون کرده بودیم. بعد هم نخواستیم وابسته شویم. ما گناهی نکرده بودیم که بگوییم به خاطر گناه ما بود که عراق به ما حمله کرد؛ بلکه به خاطر این که یک حکومت اسلامی بود، یک حکومت مستقل بود." (مقام معظم رهبری - ۰۴/۱۲/۱۳۷۷) لذا می‌توان استقلال طلبی ایران را از مهمترین دلیل شروع جنگ از سوی صدام دانست که با پشتیبانی گسترده نظام سلطه جهانی همراه بود.

۴۵ سال است که ما فرزندان ایدئولوژیک پیر خمین، با ندای آزادی‌خواهی و ظلم‌ستیزی، پنجه در پنجه‌ای استکبار انداخته‌ایم و ان‌شاء‌الله تا ظهور حضرت حجت (اوحا فداه) به مبارزه با مستکبرین عالم ادامه خواهیم داد. به قول معمار کبیر انقلاب، اگر همه انبیا و ائمه در تاریخ اشتباه کرده‌اند که با قلدرها سر ستیز داشتند، ما هم اعتراف می‌کنیم که مثل پیشوایان خویش اشتباه کردیم!





امیرعلی رسایی

### نقش امام خمینی در مقابله با تهدیدات خارجی (جنگ تحمیلی)

با آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در شهریور ۱۳۵۹، امام خمینی بار دیگر نقش برجسته‌ای در حفظ استقلال کشور ایفا کردند. رژیم بعث عراق، با حمایت‌های گسترده از سوی کشورهای غربی به ویژه آمریکا، در تلاش بود تا انقلاب اسلامی ایران را سرکوب کرده و استقلال کشور را تهدید کند. امام خمینی با رهبری مردم و بسیج نیروهای مسلح، علاوه بر اینکه به مقابله با تجاوز عراق پرداختند، روحیه‌ای از مقاومت و ایستادگی را در کشور ایجاد کردند که باعث شد ایران در برابر تهدیدات خارجی مقاومت کند.

در این دوران، امام خمینی با صدور پیام‌های مکرر و تشکیل ستادهای مختلف جنگ، از جمله فرماندهی جنگ، همه تلاش خود را برای حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور انجام دادند. ایشان با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و ضرورت مقابله با دشمنان خارجی، مردم را به جهاد و مقاومت دعوت می‌کردند. این فراخوان‌ها و تأکیدات امام خمینی، به مردم ایران انگیزه و اراده قوی برای دفاع از استقلال کشور بخشید.

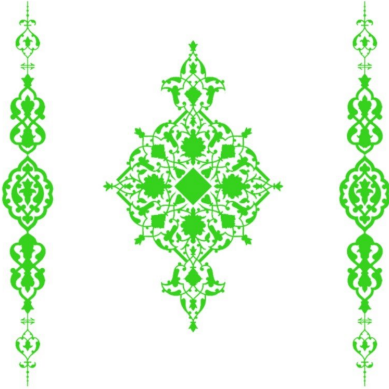
استقلال در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی در کنار دفاع از استقلال کشور در میدان نبرد، امام خمینی در عرصه سیاست خارجی نیز همواره بر حفظ استقلال کشور تأکید داشتند. ایشان هیچ‌گونه وابستگی به قدرت‌های جهانی و حتی کشورهای بلوک شرق را نمی‌پذیرفتند و سیاست‌های خارجی ایران را بر اساس اصولی چون عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر، استقلال در تصمیم‌گیری‌های جهانی و حمایت از جنبش‌های آزادی‌بخش تدوین و تبیین کردند.

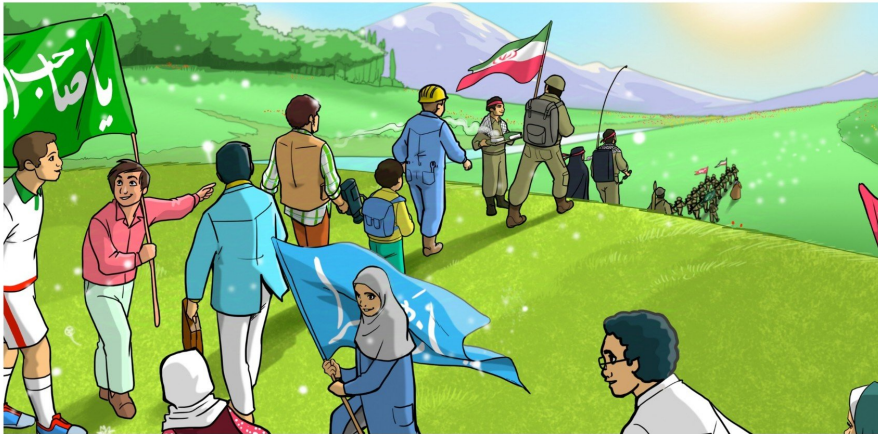
امام خمینی با اعلام قطع روابط با آمریکا و دیگر کشورهای استعمارگر و نیز قطع قراردادهایی که منافع ملی ایران را به خطر می‌انداخت، نشان دادند که منافع ملی ایران بر هر چیزی اولویت دارد و کشور باید در تمامی عرصه‌ها مستقل عمل کند.

رهبری روحیه مقاومت و ایستادگی (پایان جنگ) در پایان جنگ تحمیلی، امام خمینی همواره بر اهمیت حفظ استقلال کشور و تمامیت ارضی ایران تأکید داشتند. ایشان با وجود فشارهای مختلف داخلی و خارجی برای پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد، توانستند به صورت معقول و بر اساس منافع بلندمدت کشور، شرایط را برای پذیرش آتش‌بس آماده کنند. امام خمینی پس از پذیرش قطعنامه، تأکید کردند که این تصمیم برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و جلوگیری از ادامه خسارات انسانی و اقتصادی بود.

#### نتیجه‌گیری

نقش حضرت امام خمینی در استقلال کشور از بدو انقلاب تا پایان جنگ تحمیلی به وضوح نشان می‌دهد که ایشان همواره به دنبال حفظ تمامیت ارضی، آزادی سیاسی و اقتصادی و جلوگیری از هرگونه دخالت خارجی در امور کشور بودند. امام خمینی نه تنها در دوران انقلاب، بلکه در زمان جنگ تحمیلی نیز با رهبری هوشمندانه، استقلال ایران را در برابر فشارها و تهدیدات داخلی و خارجی حفظ کردند. استقلال کشور در تمامی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از ارکان اصلی انقلاب اسلامی بود که امام خمینی توانست آن را در برابر دشمنان خارجی و حتی برخی جریان‌های داخلی محقق سازد.





### امتداد فرهنگ مبارزه

روایت مبارزه، روایت جوشیدن خون درون رگ هاست.

روایت نوجوان سیزده ساله نارنجک به کمر بسته و روایت لات بودن تا خُر مدافعان حرم شدن مجید قربان خانی‌ها است.

و این است هنر مردان خدا.

هر کجا در این مرز و بوم که سخن از مبارزه و ایستادگی به میان می‌آید، نام مردم، عجیب می‌درخشد. اگر مردان و زنان این سرزمین، زن و مرد، پیر و جوان، پا به میدان نمی‌گذاشتند، به راستی چه بر سرمان می‌آمد؟!

جنگ تحمیلی ۸ ساله در آن برهه زمانی، با آن همه فتنه داخلی و خارجی و تمام دنیایی که روبه‌روی ما ایستاده بود، به پایان رسید و ما فاتح میدان شدیم. این معجزه حضور مردم و هم‌بستگی و وحدت است.

برادر و خواهر عزیزم! مبارز هنوز ادامه دارد و پرچم این مبارزه از نسلی به نسل دیگر منقل می‌شود و حال ما پرچمداران مبارزه هستیم.

"یادتان نرود تا دشمن هست مبارزه هم هست" را از قول رهبر کبیر انقلاب نقل می‌کنم که آنها هیچگاه دست از دشمنی با ما بر نخواهند داشت، مگر زمانی که مکتبمان را به کلی نابود کنند.

نگین ولی‌پور



### چرا راهیان نور؟ چرا شهدا را فراموش نمی‌کنیم؟

جهاد با مال و جان در آن زمان ( آغاز انقلاب تا اواخر دفاع ۸ ساله) اولویت داشت. اما آیا این جنگ تمام شده است؟

اولاً باید اینگونه تفسیر کرد که ابرقدرت‌های جهان این جنگ را تا همین امروز ادامه داده اند. ثانیاً حال جنگ از فاز نظامی و قیافه خشن فاصله گرفته و وارد فاز خطرناکتری به نام جنگ سرد شده که اگر از آن غافل شویم سبب بی‌نتیجه ماندن خون شهدا در عرصه انقلاب و دفاع هشت ساله خواهد شد.

این جنگ سرد اذهان عموم مردم را هدف قرار داده است. استراتژی این جنگ از تصاحب شهرها و کشورها، به تغییر باور، آرمان و سبک زندگی تغییر کرده است. هدف این اقدامات دشمن، تصویرسازی غلط، منفی و ناامید کننده از وضعیت کشور است که تنها راه عقلانی و در عین حال موثرترین پاسخ آن، فرمایش رهبر حکیم انقلاب "جهاد تبیین" است.

جهاد، تلاشی مستمر در مقابل دشمن است و تبیین، بیان حقیقت و از زدودن غبار جهالت و تحریف از ذهن‌ها.

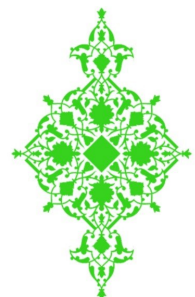
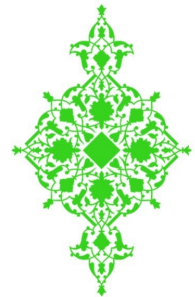
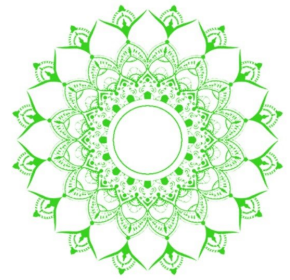
اکنون اگر جهاد نکنیم خلاء حضور ما را دشمن پر خواهد کرد. مثل تظہیر پهلوی، ترویج ناامیدی، بن‌بست غایی و ...

در راستای جهاد تبیین و زنده نگه داشتن راه اندیشه شهیدان، هر ساله راهیان نور برگزار می‌شود. گ اگر راهیان نور نبود، قطعاً خلاء ایجاد شده، جزو اهداف تحریفی دشمنان می‌بود.

"الموت فی حیاتکم مقهورین و الحیات فی موتکم قاهرین" حیات و زندگی همراه با ذلت، مرگ است و مرگ همراه با عزت، حیات و زندگی است.

این حدیث را قطعاً شهدا خوب درک کردند.

علیسا قلیزاده





### آرمان‌های انقلاب اسلامی

### چالش‌ها و راهکارها

۱. عدالت اجتماعی: هدف از انقلاب، از بین بردن فاصله طبقاتی و برقراری عدالت اقتصادی و اجتماعی بود.

۲. استقلال: رهایی از وابستگی به قدرتهای خارجی و ایستادگی بر پای خویش، یکی از اصلی‌ترین شعارهای مردم بود.

۱. عدالت نیمه‌تمام: هنوز در برخی حوزه‌ها، عدالت اجتماعی به‌طور کامل محقق نشده است. برای رفع این کاستی‌ها، نیاز به تقویت نظارت‌ها و مبارزه جدی‌تر با فساد داریم.

۳. آزادی و جمهوریت: ایجاد حکومتی که صدای مردم در آن شنیده شود و نقش‌آفرینی مردم در تعیین سرنوشت خود محقق گردد.

۲. اقتصاد مقاومتی: باید وابستگی اقتصاد به نفت کاهش یابد و تولید داخلی تقویت شود.

۴. پیشرفت علمی و فرهنگی: حرکت به سوی خودکفایی علمی و احیای هویت فرهنگی و اسلامی.

۳. آگاهی سیاسی و مشارکت عمومی: مردم باید در انتخاب‌های خود دقت بیشتری داشته باشند و مطالبه‌گر باشند. جمهوریت، بدون حضور و نظارت مردم، معنای خود را از دست می‌دهد.

۴. تحول فرهنگی: حفظ هویت اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی غربی، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق‌تری است.

### دستاوردها

در زمینه علمی: پیشرفت‌های ایران در حوزه‌های همچون فناوری هسته‌ای، نانو، پزشکی و هوافضا، نمونه‌هایی از تغییر روش مبارزه است. شهید دکتر محسن فخری‌زاده، از نمادهای این تغییر است؛ کسی که پس از حضور در میدان جنگ، مسیر جهاد علمی را در پیش گرفت و پرچم پیشرفت را به دوش کشید.

۴. تحول فرهنگی: حفظ هویت اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی غربی، نیازمند برنامه‌ریزی دقیق‌تری است.

### نقش مردم در مبارزه

مبارزه امروز، مانند دوران دفاع مقدس، به حضور همه‌جانبه مردم نیاز دارد. این حضور، نه تنها در میدان جنگ، بلکه در تمام عرصه‌ها، از انتخابات گرفته تا حمایت از تولید داخلی، معنا پیدا می‌کند. مردم با تقویت روحیه امید، تلاش برای کسب علم، حمایت از ارزش‌ها و همراهی با نظام، می‌توانند پرچم‌دار ادامه این مسیر باشند.

در زمینه سیاسی: ایران به الگویی برای مقاومت در برابر نظام سلطه تبدیل شد. سیاست خارجی مستقل و حمایت از مظلومان جهان، از جمله دستاوردهای این مبارزه است.

### پیشرفت و آرمان‌خواهی

وصیت‌نامه شهدا پر از پیام‌هایی است که ما را به تلاش بی‌وقفه و حفظ اتحاد دعوت می‌کند. رهبر معظم انقلاب نیز بارها بر این نکته تأکید کرده‌اند که ما در برخی عرصه‌ها پیشرفت چشمگیری داشته‌ایم، اما هنوز فاصله زیادی با قله‌ها داریم. برای رسیدن به این قله‌ها، باید مبارزه را نه تنها در میدان سیاست، بلکه در عرصه‌های علم، فرهنگ و اقتصاد ادامه دهیم.

در زمینه اقتصادی: علی‌رغم تحریم‌های گسترده، اقتصاد مقاومتی به‌عنوان الگویی برای ایستادگی در برابر فشارهای خارجی مطرح شد.

در زمینه فرهنگی: احیای هویت اسلامی و تقویت ارزش‌های خانواده از موفقیت‌های مهم انقلاب است.





### فاطمه ابراهیمی

#### حرکت، من دانشجوی کجای کارم

شهید حسین علم الهدی یکی از شخصیت‌های بزرگ و تأثیرگذار در تاریخ انقلاب اسلامی ایران بود. ایشان علاوه بر نقش مهمی که در دفاع از انقلاب داشتند، ویژگی‌هایی داشتند که به‌ویژه در دل جوانان و دانشجویان جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند. در ادامه به برخی از خاطرات شیرین و جذاب از زندگی ایشان اشاره می‌کنم که ممکن است برای دانشجویان و نسل جوان جالب باشد:

۱. ارادت به امام خمینی (ره) و تبعیت از ایشان شهید حین علم الهدی همیشه ارادت خاصی به امام خمینی (ره) داشتند و تبعیت بی‌چون و چرا از ایشان را سرلوحه زندگی خود قرار داده بودند. در یک خاطره معروف آمده است که ایشان در روزهای سخت جنگ تحمیلی با وجود تمامی مشکلات و سختی‌ها، همیشه با سخنانی‌ها و رفتارهای خود، جوانان را به‌سوی جبهه‌ها و میدان‌های مبارزه می‌گشایند. در یکی از جلسات که قرار بود به توضیحاتی در مورد شرایط جنگ بپردازند، ایشان با توضیح خاصی گفتند: "اگر امام فرمان دهد، ما حتی آماده‌ایم جان خود را فدای انقلاب کنیم."

۲. جذب دانشجویان به جبهه‌ها شهید حین علم الهدی همواره در تلاش بودند که دانشجویان را از فضای کلاس‌ها و دانشگاه‌ها به جبهه‌های جنگ بفرستند. یکی از خاطرات جذاب این است که در یکی از سفرهای خود به یکی از دانشگاه‌ها، وقتی دید دانشجویان از وضعیت جنگ نگران هستند و نمی‌دانند چگونه می‌توانند کمک کنند، با شور و حرارت به آنها گفت: "جنگ تنها میدان نبرد فیزیکی نیست، شما باید با علم، دانش و روحیه جهادی خود، در این مسیر پیشرو باشید." پس از این سخنان، تعداد زیادی از دانشجویان تصمیم گرفتند که به جبهه‌ها بپیوندند.

۳. شجاعت در میدان جنگ

۴. توجه به اخلاق و دیانت

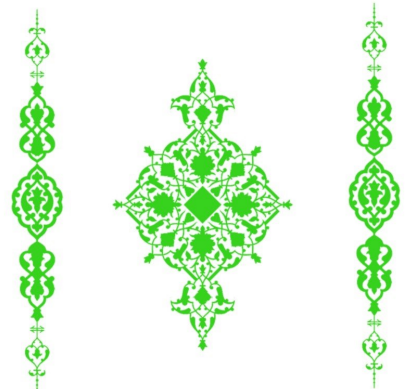
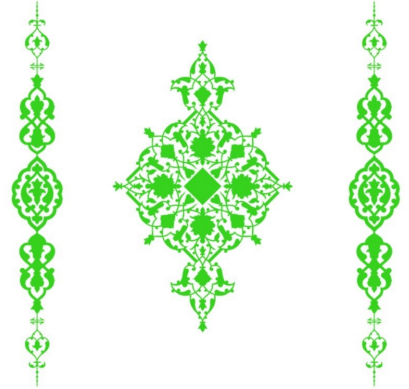
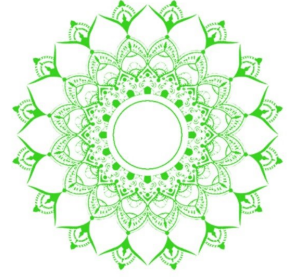
امام خمینی (ره) دانشجویان را امید امروز و فردای امت اسلامی و امانتدار بزرگ استقلال و آزادی میدانند و از آنان می‌خواهد از این امانت بزرگ الهی به خوبی نگهبانی کنند.

دانشجویان تأثیر فراوانی در موفقیت‌های زمان انقلاب داشتند و امید بخشی فردای امت اسلامی پس از انقلاب کبیر + دنیای امروزه + تا زمان تسلیم پرچم این انقلاب از دست رهبر معظم به منجی عالم را در بر می‌گیرد هم بر عهده دانشجویان است. پس تا دشمن در حال نقشه کشی است نباید بیکار ماند.

نکته دیگر قابل توجه امانتداری از استقلال و آزادی توسط دانشجویان است. هرچند این انقلاب صورت و به‌بار نشسته و مانند درختی تنومند است باید توجه داشت که سمی همچون تعریفات فرهنگی، انگیزه خواری از جوانان، تزریق ناامیدی به جامعه، عدم ولایت‌پذیری، جابه‌جایی اصولی که سبب سعادت و کمال بشر میشود با ظواهر فریبنده دنیوی، وابستگی فکری و درونی، بازی با ذهن و افکار مردم، نادیده گرفتن استعداد های ذاتی و پررنگ دیدن محدودیت‌ها، ترور، تحریم و... میتوانند ریشه های این درخت تنومند را خشکانیده و تمام زحمت‌ها و خون‌های برای حق ریخته شده را به باد بدهند

مقاومت و مبارزه تنها راه چاره است! مقاومت بر سر آنچه اصول است، بر سر آنچه تضمین‌کننده حقیقت است

مقاومت باید مثل مردم فلسطین باشد هرچند به اندازه عمر یک انسان گذشت هرچند با دست خالی انجام گرفت و به جگر سوزی و شکنجه روحی گذشت هرچند داغ‌های زیادی به دل گذاشت ولی در آخر به هدفی والا دست یافت اول باعث تبیین ظالم و مظلوم شد سپس موجب بیداری مردم از نقطه نقطه این کره خاکی گشت.





معجزه‌ی جنگ

با گذشت مدت کوتاهی غلامحسین با همان ترسیم وضعیت‌ها و نگاه دقیقش با نقشه‌هایی که ترسیم می‌کرد و راهبردهایی که بیان می‌داشت، شده بود بزرگترین استراتژیست جنگ.

آقتدیری که رهبر انقلاب در مورد او اینگونه می‌گفت او همان کسی بود که در میان یلس و ناه‌دی‌ها ' این معادله تلخ را به یک معادله شیرین تبدیل کرد' در نهایت ' حسن باقری معجزه‌ی جنگ بود '.

حسن باقری در روزهای جنگ تدبیر را به کنار توکل نهادگ و با تلاشی که بی‌بدیل بود جمع آن سربازان خداجو را به سلاح استراتژی مجهز کرد و جنگی تمام عیار رقم زد. تا جایی که سردار سلیمانی از او این چنین یاد می‌کرد ' تربیت‌کننده و پرورش‌دهنده همه ما حسن باقری بود '.

با پیروزی انقلاب به روزنامه‌نگاری مشغول شده بود. از همان ابتدا جسارتی عجیب در او بود که زمینه‌ساز شد تا به عنوان اولین خبرنگار عازم الجزایر شود. جوان نگاه دقیقی داشت، صحنه را خوب مشاهده و خوب ترسیم می‌کرد و همین مشاهداتش اطلاعات جامعی از اوضاع کشور برایش ایجاد کرده بود.

سال ۵۸ شده بود، حال غلامحسین افشردی ۲۴ سال داشت. در همان روزها اولین حملات رژیم بعثی شروع شده بود و قسمت قابل توجهی از خاک ایران به دستان دشمن افتاده بود. روحیه یاس و ناامیدی رنگ گرفته بود.

هر روز مبارزان انبوهی شهید می‌شدند و این تلفات روحیه مقاومت را در رزمندگان تضعیف می‌کرد.

در همان روزها بود که حسن باقری یا همان غلام حسین افشردی برای نخستین بار به جبهه‌های جنگ آمد. او با همان روحیه جسور و نگاه تیزبینی که یادگار اوقات خبرنگاری بود، در میان انبوهی از خاک‌ها و بر بلندای تپه‌های فکه به دیدبانی ایستاد.

زینب سادات ایرانی


**صاحب امتیاز:** بسیج دانشجویی دانشگاه ارومیه

**مدیر مسئول:** علیسا قلیزاده

**سر دبیر:** مریم احمدپور

**هیئت تحریریه:** مریم احمدپور، زینب سادات ایرانی، نگین ولی‌زاده

محیا پوراابراهیم، فاطمه ابراهیمی، شادی عبداللهی، زیتون فیروزی،

علیسا قلیزاده، امیرعلی رسایی، مهدی علی میرزالیو

**طراح و صفحه‌آرا:** امین پاشائی


@NASHR\_SERAT